

جامعه امروز

نشریه اینترنتی کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران

آزادی، برابری سهم من نیست!

حق من است!!

۱ NOVEMBER ۲۰۰۸

۱۱ آبان ۱۳۸۷

سردبیر:

شراره رضایی

مهمترین عناوین این

شماره:

- کودکان زیر سایه های خشم صفحه ۳ و ۱
- نحوه پیشگیری و برخورد با بزهکاری صفحه ۲ و ۳ و ۶
- روز جهانی غذا و سبد خالی خانوارها ۵ و ۴
- چهره ی عریان خشونت صفحه ۵ و ۶
- شعر کودکان همه ی کشورها صفحه ۲

کودکان زیر سایه های خشم



سخن سردبیر

کودکان زیر سایه های خشم

مسئله حقوق کودکان اگرچه همواره به عنوان یک مسئله مهم اجتماعی



انسان ها مطرح بوده ولی با تمام اهمیتی که به ظاهر داشته متأسفانه بسیار نادیده گرفته شده و هیچ ارزشی برای این حقوق قائل نیستیم تا آنجا که حتی با دیدن کودک آزاری و خشونت در معابر، همسایگی و نزدیکان به راحتی از آن می گذریم.

حقوق کودکان توسط کوچکترین بخش جامعه که خانواده است تا بزرگترین آن که اجتماع و حکومت ها است پامال می شود. کودکان در محیط خانواده

از سوی نزدیکان به بهانه های تادیب و تربیت که در قانون ۵۹ مجازات عمومی آمده و بدلیل اینکه کودک جزئی از اموال و مایملک والدین محسوب می شود و حق تصمیم گیری بر سرنوشت و هرگونه رفتار بر کودک را دارند، دست کودک آزاران را باز گذاشته تا به شکل های مختلف ضرب و شتم، سوزاندن، شکستن اعضاء بدن کودک، فرزندکشی، بی حرمتی و بی اعتنائی، بیگاری کشیدن و کار کودکان خشونت می بینند و در اجتماع با تصویب

کودکان که ضعیف ترین و بی دفاع ترین قشر جامعه هستند این فشارها بر آنها تحمل می شود و زندگی این کودکان با خشونت و خشم عجین شده و جزئی از وجودشان می شود تا چرخ های خشونت از حرکت باز نایستد! و به شکل پروسه ای دردناک تکرار شود.

می شود تا چرخ های خشونت از حرکت باز نایستد! و به شکل پروسه ای دردناک تکرار میشود. اهم ریشه های کودک آزاری را بایستی در مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نقص قوانین جستجو کرد و نبود قانون حمایتی و یا قوانین ضد کودک، خشونت بر کودکان را تشدید می کند. والدینی که خود زیر فشار تحمل سختی معیشت زندگی و کار، فشارهای عصبی، فقر و اعتیاد هستند در حالیکه در دنیای سرمایه داری مواد غذایی در انبارها در حال فاسد شدن است بسیاری از کودکان در اثر گرسنگی و فقر مورد انواع خشونت ها قرار می گیرند و شاهد بازتولید روز افزون کودکان کار و خیابان یا قاچاق و فروش آنها هستیم.

ادامه در صفحه ۳

قوانین سخت تری چون قصاص و زندانی شدن و براساس مصلحت های هر کشور استفاده از کودکان در جبهه های جنگ، سوء استفاده و بهره کشی جنسی، ازدواج های زودهنگام دختران که آنها را در معرض انواع خشونت های خانگی، تجاوز جنسی و محرومیت از تحصیل قرار می دهد.

گاهی ما به دلیل عدم آگاهی رفتارهایی را با کودکان انجام می دهیم و آموزش های لازم که لازم جلوگیری از خشونت است داده نشد و اصلاً اینگونه رفتارها را خشونت نمی دانیم مثل فحش و ناسزا گویی، بی اعتنائی، تحقیر و سرزنش، ترساندن کودک، حبس کردن در مکان تاریک و گاهی حتی ریختن فلفل در دهان کودک را جزء خشونت و کودک آزاری نمی دانند و جسم و زندگی این کودکان با خشونت و خشم عجین شده و جزئی از

قسمت دوم: نحوه پیشگیری و برخورد با بزهکاریها

شهلا رضایی:

بنا به عقیده مددکار اجتماعی فرانسوی، هنگامی که شخصی برای مقابله با بزهکاری نوجوانی تصمیم می گیرد باید شکست خود را در این کار قبول کند و یا این که در کار خود جدی تر و پا برجا تر باشد. نباید تصور شود که در مورد بزهکاری جوانان ما با یک مسئله ساده و آسان رو به رو هستیم. رفتار بزهکارانه یک بیمار ۲۴ ساعته که در اثر ویروس کودک بدن مبتلا می شود نیست بلکه بزهکاری جوانان مسئله ایست فوق العاده پیچیده و دشوار.

کودک به طور آبی بزهکار نمی شود بلکه بزهکاری او در اثر یک سلسله عکس العمل های پیچیده شکل می گیرد. بنابر این هرگونه طرح کمک به بزهکار طرحی سهل و ساده نخواهد بود.

آنچه که از مطالعات متعدد به روشنی استنباط می شود این است که کل اجتماع باید در مورد پیشگیری و از بین بردن بزهکاری اقدام کند و تمام افراد یک اجتماع حتی کسانی که فرزندان شان بزهکار نشده اند باید در این امر مهم شرکت جویند. بزهکاری در یک اجتماع را افراد بهتر از هر فرد دیگر می تواند حل کنند.

نیازهای بهداشتی، مسایل مسکن، مدرسه، ذخایر طبیعی، وسایل تفریح همه از جمله عواملی هستند که کافی یا ناکافی بودنشان در تشدید یا تخفیف تمایل به بزهکاری اثر می گذارد. گرچه نمی توان قبول کرد که بزهکار نتیجه مستقیم زندگی در محله های فقیرنشین است، ولی می توان گفت که اگر خانواده کودکی در یک محل مناسب و سالم با فضای کافی زندگی کند کودک کمتر در معرض خطر بزهکاری قرار گیرد. در هر اقدامی که برای پیشگیری از بزهکاری زمینه های نظری باید مورد توجه قرار گیرند. هرچند که در اینگونه موارد مردم به وضوح مایلند کار عملی انجام شود. یک نگرش احساساتی و ملایم می تواند همان قدر بازدارنده باشد که یک عکس

العمل جزایی حاد است. از همه اینها گذشته با بزهکاران نباید به عنوان افراد بیگانه و گونه های مجزا از نوع بشر برخورد شود. حتی اصلاح ناپذیرترین بزهکار نیز در تمام دقایق روز نمی تواند در حال جرم و بزهکاری باشد. اقداماتی از قبیل منع عبور و مرور شبانه، محدودیت حضور در سینماها، تعطیل کردن سالن های تفریح اصولا در پیشگیری از بزهکاری بی تاثیرند.

نخستین گام در این راه، قبول این مطلب است که به حقایق بسیاری نیاز است و سپس باید به جمع آوری اطلاعات مربوط به این واقعیات پرداخت. گام دوم پی بردن به این نکته است که طرح پیشگیری ای که به وسیله عموم درک و حمایت گردد نمی تواند به فوریت و به طور تصادفی تدوین شود. آموزش موثر اجتماع تنها از راه مطالعه نظام یافته، طرح ریزی و سازماندهی همه یا قسمت اعظم اعضا اجتماع حاصل می شود.

تنها اقدام برای پیشگیری نمی تواند موثر باشد، بلکه تغییرات زیادی در اجتماع رخ می دهد تا به پیشگیری بینجامد. در مورد پیشگیری دو احتمال عمده وجود دارد: احتمال اول: این است که با کلیه شرایط خاص محیطی که بزهکاری را دامن می زند مقابله کنیم.

احتمال دوم: این است که تلاش کنیم برای افراد یا گروه های کودکان خدمات مخصوص پیشگیری فراهم سازیم. بعضی از این خدمات عبارتند از: روان درمانی، آموزش انفرادی، مورد پژوهی، ادعا شده است که اگر تمام جنبه های زندگی که بر تحول شخصیت کودک اثر دارند اصلاح شوند و تمام خدماتی که برای کودکان تدارک دیده شده اند گسترش و بهبود یابند، بزهکاری کاهش خواهد یافت.

می دانیم که نیروها و عوامل زیادی در رشد و رفتار نهایی کودک اثر دارند. در میان این ها می توان خانه، مدرسه،

جامعه، گروه های بهداشتی و رفاهی سازمان های تفریحی کودکان و نوجوانان را نام برد.

نقش مدارس

با توجه به سالهایی که کودک در مدرسه می گذراند، یکی از حساسترین نیروهایی که بر او اثر دارند مدرسه است. مدرسه نمی تواند به تنهایی مسئله بزهکاری را حل یا حتی از آن پیشگیری کند. امان نقش مدرسه در این امر بسیار حساس و تعیین کننده است. گفته می شود که فرستادن

کودکان به مدرسه در سنین بین پنج تا هفت سالگی، بهترین فرصت را جهت پیشگیری اولیه از بزهکاری آنان فراهم می کند. حتی در سنین بالاتر نیز می توان به آن ها رسید و کمک کرد. معلم که یک ناظر تعلیم یافته است در موقعیتی است که می تواند کودک را مورد مشاهده و ارزیابی قرار دهد. احتمالا بعد از این که معلم مدت زیادی کودک را زیر نظر گرفت، می تواند شواهد و نشانه های شخصی و اجتماعی را که بر کودک اثر می گذارند کشف کرده و به او کمک کند.

مدرسه با همکاری خانه و جامعه، تجربه یادگیری اساسی را برای همه ی کودکان مهیا می سازد. مسلما، هیچگاه مدرسه نمی تواند محرومیت کودک را به طور کامل جبران کند. اما مدرسه می تواند کودک را نسبت به ارزش های اساسی خود آگاه سازد و به او بیاموزد که چگونه می تواند آن ها را پرورش دهد. این دقیقا همان کاری است که در مورد نوجوان بزهکار صورت نمی گیرد. سوابق موجود در مدارس متعدد نشان می دهد که این نوجوانان در طول سال های تحصیل، عادت به رفوزه شدن و حقیر شدن را در خود پرورش می دهند بنابراین سوالاتی که باید به وسیله مدرسه و اجتماع مورد توجه قرار گیرد این است که: چرا کودکان رفوزه می شوند؟

مدرسه با در اختیار داشتن خدمات جنبی که از لحاظ زمانی و مهارتی کمک کننده هستند می تواندا حدودی به

کودکان کمک کند تا رفوزه نشوند. معلم سیار که می تواند با والدین کودک تماس نزدیک برقرار کند، مددکار اجتماعی، مراکز بهداشت روانی، همه به این منظور تربیت شده اند که از طریق ارزیابی، شناسایی و برطرف کردن فشارها و عواملی که باعث شکست کودک در کلاس درس می شوند به او کمک کنند. یکی از مسئولان آموزش و پرورش در یکی از کشورها برنامه ای با چهار اصل تنظیم کرده است که با استفاده از آن، مدارس زیادی می توانند به بزهکاران نوجوان کمک کنند آن ۱- کاهش تعداد شاگردان هر کلاس تا معلم بتواند به یکایک شاگردان رسیدگی کند.



کودکان همه ی کشورها

ای کودکان همه ی کشورها دستان ستم دیده ی خود را بگشایید بیافشاید تخم عشق را و بیافرینید زندگی را کشورها، از همه ی رنگها

ای کودکان همه ی کشورها در دلهای شماست کلید خوشبختی ها در دستان شما خواهد بود فردا زمین ما برای خروج از شبها و آرزو برای دیدار روشنایی

ای کودکان همه ی کشورها درچشمان شماست که زنده است به زندگانی بخشکانید اشکهایتان را زمین بگذارید اسلحه را و بسازید بهشت جاودان را بیاندیشیم به گذشته ی اجدادمان و به قول هایی که هرگز به آن وفا نکردند حقیقت، دوست داشتن بدون مرز است

ترجمه از: شکوه عمرانی

قسمت دوم: نحوه پیشگیری و برخورد با بزهکاریها

قانونی می رسد ترک تحصیل کرده و به پرسه زنی می پردازد. غالباً مدارس نمی توانند، یا سعی نمی کنند، علل این کار را که بعضی اوقات از ضعف بینایی، دسترسی کم به مطالب خواندنی در بیرون از مدرسه و یا نگرش های عاطفی منفی نسبت به تحصیل

ادامه در صفحه ۶

ادامه صفحه ۱ (کودکان زیر سایه های خشم)
کودکان که ضعیف ترین و بی دفاع ترین قشر جامعه هستند این فشارها بر آنها تحمل می شود در حالیکه کودکان در بیشتر مواقع بخاطر بازی گوشی های کودکانه که خاص سن آنهاست بدون اینکه مفهوم کار خوب یا بد را بدانند تنبیه می شوند و حتی اثر تربیتی هم ندارد زیرا کودک از درک آن عاجز است و اصلاً نمی داند برای چه تنبیه شده است و چنین قوانینی دست والدین و قدرتمندان را باز می گذارد تا کودکان را مورد خشونت و خشم خود قرار دهند.

طبق تحقیقاتی دولتی در سال ۲۰۰۶ حدود ۴۵٪ از دختران هند زیر سن ۱۸ سال ازدواج می کنند و ازدواج دختران زیر ۱۵ سال ۵ برابر بیشتر از دخترانی که در سن بیست سالگی ازدواج می کنند در معرض خطر مرگ و میر ناشی از بارداری و زایمان هستند.

۲۰٪ کودک آزاری ها جسمی و جنسی و ۴۵٪ آن به صورت های محرومیت های عاطفی بوده و ۵۶٪ از این خشونت دیده ها دختران و مابقی پسران هستند. مطالعات نشان می دهد که ۷۵٪ از کودکان توسط والدین و نزدیکان خود مورد کودک آزاری قرار می گیرند که دلیل عدم توانایی در دفاع و بیان آن، این کودک آزاری ها مخفی باقی می ماند و تنها در صورتی که به یک فاجعه بزرگ مثل مرگ و میر کودک در بیمارستان، امکان علنی شدن آن وجود دارد.

آمار نشان می دهد ۷۰٪ کودک آزاری ها توسط پدران، ۱۰٪ توسط کادر آموزشی و ۲۰٪ توسط مادران صورت می گیرد که ۲۹٪ منجر به شکستگی و جراحی و معلولیت شده است.

بهره کشی از ۶ میلیون دختر در کشورهای آسیایی به طور سالانه، ناپدید شدن هزاران کودک در سال، و وجود میلیون ها کودک کار و خیابان نشان از اوضاع رقت بار زندگی این قربانیان کوچک دارد.

با نگاهی به آمار و ارقام و دیدن مشکلات رو به فزونی دنیای کودکان نشان می دهد که در تمام دنیا، نظام سرمایه داری و قدرتمندان چه دنیای سیاه و کثیفی برای کودکان ساخته اند.

مدارس بخواهیم که برای هردوی آنان وسایل و امکانات لازم را فراهم کنند. اگر همه دانش آموزان مجبور شوند از یک برنامه خشک و غیرقابل انعطاف تبعیت کنند بسیاری از استعدادها نه تنها شکوفا نخواهند شد بلکه کسانی که نسبت به بزهکاری آسیب پذیر هستند به سوی آن جلب خواهند شد. آنچه که مسولان اجتماع و مدارس باید مورد توجه قرار دهند این است که برای دانش آموزانی که از برنامه های عادی آکادمیک گریزان هستند، دروس متنوع دیگری را در نظر بگیرند و اجرا کنند.

بعضی شهرهای بزرگ برای کاهش مسائل بزهکاری به تاسیس دبیرستان های فنی و حرفه ای اقدام کرده اند. برنامه های این مدارس با شرایط استخدامی و نیازهای نظام کارآموزی در مشاغل گوناگون ارتباط عملی واقعی دارند. دکتر جیمز ب کونانت در کتاب خود با عنوان (محلله های فقیرنشین و حاشیه

۲- تربیت و آماده کردن معلمانی که نشان داده اند توانایی کار کردن به طور سازنده با کودکان را دارند.

۳- فراهم آوردن افراد متخصص برای کمک به معلمان در مواجهه با مسائل خاص در مدرسه و مهیا ساختن خدمات کلینیکی (مشمتمل بر خدمات پزشکی، روانشناختی و اجتماعی) برای کودکانی که به کمک هایی ورای مسئولیت مدرسه نیاز دارند.

۴- جلب پشتیبانی والدین و هماهنگ کردن تلاش های آنان و کارکنان مدرسه جهت طرح ریزی نقشه هایی به منظور مقابله کردن با مسئله بزهکاری.

در بسیاری از شهرهای دنیا علت اصلی شرایط نامناسب مدارس، عامل اقتصادی است. عدم وجود کلاس های درس، کتاب، لوازم و همین طور معلمان تعلیم دیده مسایل بی نهایت اضطراری را تشکیل می دهند.

در گزارش که توسط گروه مشورتی سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم



شهری) با توجه به مشاهداتش روی مسائل آموزشی و پرورشی آمریکا می نویسد... به نظر من مدرسه هایی باید باشند که برای کودکانی که مسئولیتی برای خانواده دارند بتوانند برنامه های متنوع فنی و حرفه ای عرضه کنند. این مدارس باید در نزدیکی یک دبیرستان بنا شوند تا دانش آموزان بتوانند بعضی از دروس متوسطه را برحسب ذوق و استعداد خود، در آنجا تحصیل کنند.

ناتوانی در خواندن عامل مهمی برای رفوزگی نوجوانان و بدین ترتیب تمایل آنها به بزهکاری است. مسلمان کودکی که نمی تواند بخواند تنها با تنش و محرومیت در کلاس روبه رو خواهد بود و لذا جای تعجب نیست که کلاس و مدرسه مکانی ترسناک و وحشت زا جلوه کند. تخریب اموال مدرسه نوعی اعتراض است و فرار از مدرسه تنها راه حل به نظر می رسد. هنگامی که چنین دانش آموزی به سن

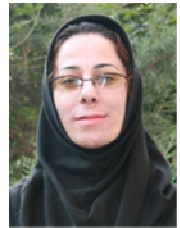
و درمان متخلفان منتشر شده چنین آمده است باتوجه به گستردگی دامنه تواناییها، علایق و استعدادهای فردی که در دانش آموزان مدارس وجود دارد، کارکنان مدارس باید برنامه های جامع تر و متنوع تری را تدارک ببینند تا بتوانند نیازهای متفاوتی را که یادگیرندگان و اجتماع احساس می کنند به طور مطلوب پاسخگو باشند.

باید دانش آموزان را تشویق کرد تا بنا بر استعدادهای خود فعالیت کنند، نه آن که همواره ناگزیر باشند با زرنگ ترین دانش آموز رقابت کنند. مدارس باید کاملاً از یکدیگر متفاوت باشند و هر مدرسه برنامه ای را تنظیم کند که با نیازهای اجتماعی و اقتصادی عمومی و اختصاصی اجتماع محلی هماهنگ باشد.

اگر بپذیریم که کودکی که می تواند یک مکانیک خوب بشود نباید از کودکی که به پزشکی علاقه مند است دست کم گرفته شود. در این صورت باید از

روز جهانی غذا و سبد خالی خانوارها

ثریا محمدی:



۱۶ اکتبر (۲۵ مهر ماه) امسال (روز جهانی غذا) را در شرایطی پشت سر گذاشتیم که علیرغم پیمان مشترک شرکت کنندگان در اجلاس جهانی غذا در سال ۱۹۹۶ مبنی بر تلاش برای کاهش آمار گرسنگان جهان تا سال ۲۰۱۵ به نصف، یعنی حداقل سالیانه ۲۰ میلیون نفر کاهش؛ هنوز در حدود ۱ میلیارد نفر از مردم جهان در فقر کامل به سر می برند که ۷۹۹ میلیون نفر از آنان در کشورهای در حال توسعه یعنی کشورهای فقیر زندگی می کنند و ۱۷۸ میلیون نفر از این رقم سرسام آور را کودکان تشکیل می دهند و البته لازم به ذکر است که نه تنها روند افزایشی آمار گرسنگان کنترل نشده است بلکه سال به سال به دلیل بحران اقتصادی این رقم در حال افزایش بوده و سیر تصاعدی آن در مقایسه با سال ۲۰۰۶ قریب به ۱۰۰ میلیون نفر می باشد.

طبق گزارش (موسسه کمک های بین المللی) آکسفام، با توجه به درگیری شدید کشورهای ثروتمند با بحران اقتصادی جهان، پیش بینی می شود که ۹۲۳ میلیون نفر دیگر نیز طی سال آینده به جمعیت گرسنگان جهان افزوده شود.

تحقیقات نشان می دهد که گرسنگی و موارد مرتبط با گرسنگی تقریباً ۲۵،۰۰۰ نفر انسان را در روز از بین می برد، و بر طبق گزارش سازمان ملل آمار گرسنگی در جهان تقریباً ۴ میلیون در سال است. سالیانه بیش از ۷ میلیون کودک زیر ۵ سال یعنی هر ساعت هزار کودک، و هر روز ۱۰ هزار کودک و هر پنج ثانیه یک کودک را بدلیل گرسنگی و عوارض ناشی از آن از دست می دهیم. بر اساس آمار، سیر پراکندگی گرسنگی در جهان به میزان: ۵۲۰ میلیون نفر در آسیا، ۲۰۵ میلیون نفر در آفریقا، ۵۳ میلیون نفر در آمریکای لاتین، ۳۹ میلیون نفر در خاور نزدیک و آفریقای شمالی و ۹ میلیون نفر در کشورهای توسعه یافته هستند.

یتم مواد غذایی در نه ماه گذشته ۴۵ در صد افزایش داشته است و کمبود شدید برنج، گندم و ذرت وجود دارد. عدم کنترل

افزایش سریع قیمت ها و گرانی بیشترین فشار را روی مردم فقیر کشورهایی که اقتصاد عقب مانده ای دارند، وارد کرده است.

براساس برآورد بانک جهانی، افزایش سریع قیمت غذا در جهان، روند مبارزه با فقر و گرسنگی را تا ۷ سال به تعویق می اندازد.

نرخ عقب افتادگی در کودکان کشورهای که توسعه ی اقتصادی ناچیز دارند بالغ بر ۵۰ درصد می باشد.

در گزارش سازمان آلمانی کمک به رفع گرسنگی در جهان آمده است: از سال ۱۹۹۰ در برخی مناطق جهان، پیش از همه در جنوب و جنوب شرق آسیا، در خاورمیانه و شمال آفریقا، همچنین در آمریکای لاتین و کارائیب، در مجموع پیشرفت آهسته ای در مبارزه با گرسنگی دیده می شود، با این حال، شمار گرسنگان در جنوب آسیا همچنان بالاست. در جنوب آفریقا نیز وضعیت به همین ترتیب حاد است. وخیم ترین وضعیت در کشورهای جمهوری دموکراتیک کنگو، اریتره، بروندي، نیجر و سیرالئون حاکم است.

سالیانه بیش از ۷ میلیون کودک زیر ۵ سال یعنی هر ساعت هزار کودک، و هر روز ۱۰ هزار کودک و هر پنج ثانیه یک کودک را بدلیل گرسنگی و عوارض ناشی از آن از دست می دهیم.

در گزارشی آمده است: طی ۱۴ ماه گذشته در کشوری همچون بنگلادش قیمت برنج ۶۶ درصد رشد داشته، در سنگال نیز بهای گندم ۵۰ درصد افزایش داشته و در سومالی بهای غلات ۴ برابر شده است.

افزایش مدام قیمت مواد غذایی برای مردمان این کشورها که دچار گرسنگی کامل یا سوء تغذیه اند، تهدید جدی ایجاد کرده است. گزارش سازمان کمک به رفع گرسنگی می گوید، مردمی که پیش از این نیز قادر به تغذیه کافی و سالم خود نبودند، با افزایش قیمت های جهانی مواد غذایی، بیش از پیش در تنگنا قرار گرفته اند.

بنابر گفته "ماریتا ویگرنال" یکی از متخصصان موسسه تحقیقاتی

"آکسفام"، از آنجا که اغلب خانواده ها در کشورهای در حال توسعه دو سوم درآمد خود را صرف تهیه غذا می کنند، یک افزایش ناچیز در قیمت ها می تواند موجب سقوط آنها به پرتگاه گرسنگی شود.

گرسنگی یکی از جدی ترین مسائلی است که جامعه ی بشری با آن مواجه است. از این رو، سازمان کمک به رفع گرسنگی خواستار کوشش های بیشتر برای مقابله به این پدیده است. این سازمان می گوید، نیازها تنها مواد غذایی بیشتر نیست. علاوه بر این، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی کشورهای فقیر، تامین اجتماعی، یک سیستم عادلانه ی تجارت جهانی و نیز اقداماتی برای مهار و آرام سازی بازار مواد غذایی نیز ضروری هستند. همانطور که می دانیم حق دسترسی به غذا به معنای امکان خرید غذا و یا امکان تولید آن در کشورهاست، احترام به حق دسترسی به غذا، دفاع از این حق و جلوگیری از پامال شدن آن و سیاست گذاری برای ایجاد حق دسترسی به غذا از وظایف دولت ها ست.

دولت آلمان سالانه حدود ۱۲ میلیارد یورو برای کمک کشورهای فقیر اختصاص می دهد. این رقم یک چهلیم پولی است که این دولت برای نجات بانک ها در نظر گرفته است. ۷۰۰ میلیارد دلاری که دولت بوش برای نجات بانک های آن کشور اختصاص داده ۲۰ برابر بیش از مبلغی است که می توان با آن گرسنگی را در جهان از بین برد.

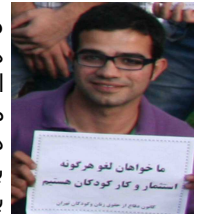
وضع تغذیه در ایران

به عقیده بسیاری از کارشناسان در حال حاضر الگوی مصرف غذا در ایران چندان مطلوب نیست. آمارها نشان می دهد که هم اکنون نزدیک به ۲۰ درصد از افراد جامعه کمتر از نیاز خود انرژی و پروتئین دریافت می کنند و این درحالی است که بیش از ۱۰ میلیون نفر از افراد جامعه زیر خط فقر زندگی کرده و از نظر تغذیه و میزان کالری دریافتی در سطح بسیار پایینی به سر می برند.

البته چنانچه به میزان دریافتی مواد غذایی با ارزشی نظیر پروتئین رجوع کنیم، در می یابیم که به عنوان مثال در مورد میزان مصرف شیر، ماهی و بسیاری دیگر

ادامه در صفحه ۵

چهره ی عریان خشونت



مازیار رحمانی:

در کنار دادگاه خانواده ایستاده بودم که مردی همسرش (بخوانید برده اش) را گرفته و به روی ماشینش فشار می آورد. روزی دیگر در صف غذا مردی چنان کشیده ای به فرزند (بخوانید یکی از اموالش) زد که کودک تقریباً ۵ ساله با صورت روی زمین افتاد. در شهر هم که تقریباً هر روز دعوی می شود دید. اینها تنها نمونه هایی از چهره های عریان شده و اتفاقی خشونت در جامعه هستند. اما مسئله ی مهم دیگر، انواع پنهان خشونت و قربانیان آن است و اینکه هر کدام از این انواع خشونت چگونه به نهادینه شدن خشونت در جامعه می انجامند.

خشونت به رفتاری گفته می شود که از روی قصد و اراده انجام می گیرد و شامل شکلی از رنج روانی و یا جسمی و یا کشتن است. پرواضح است که خشونت از عدم توانایی عامل آن در گفتگو و یا احترام به طرف مقابل ناشی می شود. در واقع تفکر زورگویی و تحمیل عقیده بوسیله ی قوای فیزیکی هنوز به شدت در بشر وجود دارد. مثال های عیان آن جنگ ها و حملات کشورهای قدرتمند و به ظاهر متمدن به دیگر کشورها، تروریسم، اعدام، نزاع های خیابانی و خشونت های اعمالی در خانواده است.

خشونت را از نقطه نظر خانوادگی می توان به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم کرد. بیشترین قربانیان خشونت خانوادگی زنان و کودکانی هستند که تحت سرپرستی مردان قرار دارند. البته قدرت فیزیکی مرد یکی از دلایل این مسئله است اما دلیل دیگر نهادینه شدن خشونت در جامعه و البته برای مردان است. در این مسئله هم مانند همه شرایط دیگر جوامع مردسالار، مردان از نظر حق اعمال خشونت هم دارای وضع بهتری هستند. اما منظور از نهادینه شدن خشونت تنها این نیست که الزاماً قانون از مرد حمایت کند، بلکه منظور تبدیل خشونت به امری عادی و متعارف در جامعه است.

هر خشونت که در جامعه انجام شود منجر به بازتولید خشونت می شود. اعدام، نزاع خیابانی، حتی بوق زدن در خیابان (به قصد آزار) و خشونت کلامی و ... شکل هایی از خشونت هستند. با دیدن هر چه بیشتر آنها، این مسئله به صورت امری عادی تری در می آید.

این متعارف شدن خشونت به دلیل شکل اعمالی آن که از سوی مرد بر زن یا کودک اعمال می شود و بیشینه ی

تاریخی آن و توانایی جسمانی مرد بیشتر بر مردان تاثیر می گذارد.

البته بیماران آموزش دیده از این مدرسه ی خیابانی خشونت، تنها مردان نیستند، بلکه زنان و قربانیان نیز در این کلاس ها و آزمایشگاه های خیابانی نحوه ی اطاعت از مرد و پذیرش سلطه ی مرد را به دلیل قدرت فیزیکی اش می پذیرند.

خشونت بر اساس جنسیت ارتباط تنگاتنگی با قدرت، تفوق و کنترل مردانه دارد. مردان زورگو عموماً در سایر مکان ها غیر از حریم خانوادگی خود انگیزه های آبی خود را کنترل می کنند. در بسیاری موارد خشونت از سرخوردگی مردان در اجتماع ناشی می شود. مرد زورگو در خارج از خانه از موقعیت اجتماعی مناسب محروم است و فقدان اعتماد به نفس و شرایط بد جامعه به او امکان پیشرفت نمی دهد. او خود را همواره در موقعیت ضعف می بیند. از طرفی جامعه او را به شدت سرکوب می کند و از طرف دیگر، همین جامعه ی مسلط بر او، اختیار کنترل جامعه ی کوچکی به نام خانواده را به او داده است. بنابراین او از حق اعمال زور خود برای جبران سرخوردگی اجتماعی استفاده کرده و با کوچکترین بهانه ای به آزار و اذیت و یا ضرب و شتم خانواده خود می پردازد. این بهانه ها به وضوح در جوامع جهان سوم بیشتر دیده می شود؛ تعصبات مردان نسبت به زنان خانواده و عدم استقلال زنان بیشترین دلایل ضرب و شتم و تهدیدهای درون خانواده است.

درست است که خشونت جنسی و فیزیکی برای مردان و نه زنان رفتاری متعارف به حساب می آید و مردان با وقاحت تمام آنرا اعمال می کنند. اما زنان هم در این میان عاری از مسولیت نیستند. ساختاری شدن خشونت مردان در جامعه به آنان آموزش فرمانبرداری می دهد اما فرمانبرداری از چه؟ نه حتی فرمانبری و اعتماد و اتکا به عقل انسانی دیگر، بلکه تنها اطاعت از قدرت فیزیکی برتر موجودی قویتر. البته که حیوانات و چهارپایان به دفعات از این مردان زورگو قویتر هستند! مادران به دخترانشان می آموزند که نقشهایی که جامعه به آنها می دهد را بپذیرند و خود رفتارهای خلاف دخترانشان را پیش از مردان مجازت می کنند تا مطمئن شوند که دخترانشان از پذیرش اجتماعی برخوردار هستند. اما این پذیرش اجتماعی در غالب همان فرمانبرداری و انقیاد زن تعریف می شود و با واژه هایی چون نجابت و پاکدامنی آراسته شده و مانند حلقه ی گلی بر گردن زنان برده شده آویخته می شود.

دختری که با دوستش بیرون می رود، قبل از رفتن از طرف مادر (با اتکا به زور

پدر) تهدید می شود و در صورت عدم اطاعت بعد از آمدن به خانه باید طعم ضربه های کمریند پدر را بچشد تا مبدا کسی به پاکدامنی او شک کند. در اغلب موارد هم قربانیان از گروه مطیع هستند. فقدان اعتماد به نفس زنان و گوشه گیری از جامعه به دلیل وابستگی دائم به مردان، اراده ی آنان را برای اعتراض به خشونت سرکوب می کند. به این ترتیب عده ای از قربانیان نه تنها سعی بر احقاق حقوق خود و یا کودکانشان ندارند بلکه به آنها نیز می آموزند که چگونه به قربانی شدن ادامه دهند.

ادامه در صفحه ۶

ادامه صفحه ۴ (روز جهانی غذا و سبد خالی خانوارها)

از منابع کلسیم و دیگر مواد ضروری بدن در ایران در مقایسه با سایر نقاط جهان، در سطح بسیار پایینی قرار دارد. این آمارها حکایت از آن دارد که در دهه کنونی وضعیت تغذیه خانوارها در ایران با چالش های بزرگی مواجه شده است که برای گذر از آن نیازمند تغییراتی در وضعیت اقتصادی و سیاست گذاری های دولت رفاه در جهت توزیع عادلانه ی ثروت هستیم.

اختلاف ۲۰ برابری سطح درآمدی بین دو قشر بالایی و پایینی جامعه علت اصلی چنین وضعیتی در الگوی مصرف مواد غذایی در بین افراد جامعه و بالا بودن قیمت مواد غذایی د. اصولاً توسعه در هر کشوری در گرو سلامت تگ تك افراد آن جامعه است و به نظر می رسد برای حل این مسایل می باید در قدم نخست وضعیت اقتصادی مردم بهبود یابد تا این فاصله ۲۰ برابری بین دو دهک بالایی و پایینی به حداقل ممکن برسد و به تبع آن سبد غذایی دهک پایینی نیز هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی از رشد قابل توجهی برخوردار شود.

بنابراین با توجه به موارد گفته شده، چنین می نماید که اصلاح ساختارهای اقتصادی و تغذیه ای جامعه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته و بدون ارایه يك طرح اقتصادی موثر و پویا نمی توان به دستیابی الگوی تغذیه ای مناسب در جامعه امیدوار بود.

قسمت دوم: نحوه پیشگیری و برخورد با بزهکاریها

ادامه صفحه ۲

ناشی می گردد کشف کنند. اگر معلم نتواند دلایل بی علاقه‌گی کودک را دریابد که غالباً ریشه در خانه و خانواده دارند در این صورت معلم سیار یا مشاور آموزشی باید دخالت کند. بدون بررسی کامل سابقه کودک، تندرستی، هوش و مسائل شخصی وی نمی تواند علل بی علاقه‌گی او را به مطالعه کشف کرد. مدرسه می تواند با اجرای برنامه های مناسب به این گونه کودکان کمک کند. کودکی که پیوسته تحقیر می شود، برای بهبود وضع خود کوششی نخواهد کرد. مدرسه ای که شاگردی را اخراج می کند و یا او را هر سال مردود می کند کم و بیش بر این اصرار دارد که این دانش آموز زمانی مدرسه را ترک می کند که ایدامادگی ساختن زندگی خود را ندارد.

کمک به خانواده

منشاء بروز بخشی از آشفتگی های کودکان بزهکار در تغییر الگوی خانوادگی است که این تغییر نیز به نوبه خود بازتابی از تغییرات عمیق تر اجتماعی است. مسئله ایجاد یک بهبود کلی در زندگی خانوادگی در وهله اول آنقدر وسیع و پیچیده به نظر می رسد که عده زیادی از مردم نمی دانند چگونه در این مورد اقدام کنند. برای کنترل و پیشگیری بزهکاری باید دو قدم برداشته شود: قدم اول کمک به والدین است که افرادی آگاه تر و کارآمدتر باشند. دومین قدم سعی در بهتر کردن عادت ها، مهارت ها و ایجاد تفاهم و نگرش هایی در نوجوانان است تا اندازه ای با تشریک مساعی مدارس، نهادهای مردمی و سازمان های جوانان امکان پذیر است.

بزهکاران به دلایل مختلف از والدین خود فرمان نمی برند و روابط توأم با اطمینان با آن ها ندارند و به ندرت مشکلات خود را با افراد بزرگتر خانواده در میان می گذارند. زیرا آنها را تشویق نکرده اند که خانواده را در امور زندگی و عاطفی خود شرکت دهند، و این خود برای کودک محدودیتی زیانبار است. هر گونه برنامه آموزشی یا مشورتی که اجتماع در دسترس والدین قرار دهد، در صورتی می تواند نقطه تحولی محسوب شود که به طور معقول طرح ریزی شده باشد.

این روش که به والدین بی پرده گفته شود که باید بهتر باشند همیشه موثر نیست بلکه با کمک اقتصادی و یا تسکین آلام او میتوان او را در ابراز محبت و توجه نسبت به کودکانشان تشویق کرد. تا اندازه زیادی می توان گفت که آموزش والدین نه تنها آگاهی آنان را نسبت به رفتار کودکان افزایش می دهد، بلکه آنها را با روش زندگی خانوادگی و شخصی نیز آشنا می کند.

والدین باید یاد بگیرند که کودکان بزهکار شان نه فقط افراد بیهوده ای نیستند، بلکه کودکانی هستند با مشکلات و احتیاجات فراوان، اما غالباً قبول این موضوع که خود را در مسئولیت این نیازها سهیم بدانند برای آنها مشکل است. والدین باید بفهمند که تنبیه کودک روش بی معنایی است و اغلب افسردگی و پریشانی او عمیق تر می کند.

والدین اکثر کودکانی که در معرض بزهکاری هستند مفهوم عضویت در یک اجتماع و یا تعلق داشتن به سازمان های اجتماعی را کمتر درک می کنند. آن ها در برابر دعوتی که برای مشورت درباره مسایل خانوادگی از آنها به عمل می آید ممکن است واکنشی آمیخته با بدگمانی و یا سرزنش آمیز از خود نشان دهند. بعضی مطالعات نشان داده اند که هرچه درآمد و سطح معلومات شخص کمتر باشد به همان اندازه نیز احتمال شرکت و عضویت او در جوامع و گروه ها کمتر است هر قدر تعداد افراد بزرگسال یک جامعه که به تشکیلات ثابت و محکمی مثل انجمن ها، سازمان های تفریحی، رفاهی یا سیاسی وابسته هستند بیشتر باشد به همان اندازه نیز دسترسی به آن ها به عنوان والدین و راهنمایان نشان آسانتر خواهد بود. اجتماع هرچه یک پارچه تر باشدو هر اندازه که مردم در مسایل و طرحها بیشتر شرکت کنند، فرزندان آن ها از آن اجتماع بیشتر بهره مند می شوند.

در کشورهای پیشرفته صنعتی در اکثر اجتماعات، سازمان هایی مانند مدارس، نهادهای مردمی، مراکز بهداشتی و درمانی، موسسات مربوط به خدمات خانوادگی و اجتماعی، زمین های ورزشی و وسایل تفریحی برای خدمت دادن به کودکان و نوجوانان دایر شده اند. در بعضی از کشورهای پیشرفته جهان مراجعی جهت حل مشکلات نوجوانان مانند دادگاه های مخصوص جوانان، اداره پلیس جوانان، کلینیکهای راهنمایی کودکان، مراکز نگهداری، کلاس های مخصوص عقب ماندگان ذهنی، خدمات مشاوره ای، معلمان سیار و خدمات گروه درمانی وجود دارند. هم چنین در شهرهای بزرگ و کوچک سازمانها و نهادهای جداگانه ای هستند که به نوجوانان بزهکار و غیربزهکار کمک می کنند.

در صورتی می توان به بزهکار کمک کرد که اجتماع یا مدرسه گروهی را که شامل روانشناس، روانپزشک و متخصص خدمات اجتماعی است در دسترس او قرار دهد.

ادامه دارد

قسمت آخر در نشریه شماره بعدی

ادامه صفحه ۵ (چهره ی عربان خشونت)

متأسفانه هر جامعه خواسته یا ناخواسته ساز و کار هایی برای مشروعیت بخشیدن و پنهان ساختن و انکار ارتکاب خشونت دارد. البته بسیاری از این مبارزات علیه خشونت بر عهده ی نهادهای دولتی است. مفهوم تقدس خانواده و حفظ و نگهداری اطلاعات مربوط به خانواده در محدوده ی چار دیواری، اساس نظریه ی پنهان کاری را تشکیل می دهد و از علل استمرار خشونت علیه زنان و کودکان است. در واقع دولت تنها زمانی دخالت می کند که مسئله به صورت امر عمومی در بیاید. پیروی و تقلید کورکورانه از سنت های خشن و زیانبار و کمبود آموزش و اطلاعات و بالاخره انفعال حکومت ها و عدم برخورد آنها با این اعمال در ادامه ی حیات آن موثر است. هر نظام عرفی که سعی در تثبیت رابطه ی جنسیتی دارد در تلاش است که وضع موجود را حفظ کند بنابراین قربانیان دائماً دچار مشکل هستند.

با کمال تأسف مسئله ی مهم دیگری که وجود دارد، وجود تابوی اخلاقی در جامعه و قربانیان است که موجب خاموش بودن قربانیان و پرده پوشی جنایات بسیاری می شود. به طور مثال به دلیل قبح عمل گزارشی از سواستفاده های جنسی از دخترچه ها داده نمی شود. آسیب های ناشی از تحت تجاوز قرار گرفتن مانند بارداری (بسیاری موارد در دوران نوجوانی) و بیماری های مراقبتی، اشاعه ی فحشا به دلیل سکوت قربانیان مطرح نمی شود. بطور متوسط هر قربانی تجاوز به طور متوسط تا سه سال دارای اختلالات جنسی خواهد بود اما آیا هیچ پناهی برای این آسیب دیدگان وجود دارد؟ آزار رسانی جنسی در محیط کار و ارباب زنان در کوچه و خیابان بسیار شایع است اما به دلایل (اغلب ناموسی) در بسیاری موارد فرد قربانی حتی از خانواده اش هم کمک نمی طلبد. هرزه انگاری زنان به وسعت در میان تمام اقشار و در جای جای جامعه به معنای واقعی رایج است. تهمت های بسیاری، گریبان هر زنی را که اندیشه ی استقلال مادی و مالی داشته باشد خواهد گرفت. خرید و فروش و قاچاق زنان و فحشای اجباری زنان و کودکان هم مانند همه موارد دیگر به هیچ وجه مطرح نمی شود.

با وجود این شرایط، اهمیت پرداختن به شناسایی و کمک رسانی به قربانیان خشونت چندین برابر می شود و در راس کار مبارزه باخشونت قرار میگیرد. با فراموشی قربانیان خشونت به تداوم خشونت کمک خواهدشد و نه تنها قربانی، آسیب دیده خواهدماند بلکه پلی خواهد شد برای پیدایش قربانی دیگر.



WEB:

www.kanoone.blogfa.com

E-mail:

Zanan.koodakan@yahoo.com
Kanoone.z.k@gmail.com

WE'RE ON THE WEB

WWW.8march86.blogfa.com

Tel: ۰۹۳۷۰۹۱۴۱۷۷

نشریه اینترنتی کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران :

"جامعه امروز"

سردبیر: شراره رضایی

نویسندگان: شراره رضایی- شهلا رضایی- ثریا محمدی- مازیار رحمانی- شکوه عمرانی

درج مطالب با ذکر منبع آزاد است

مقالات خود را برای درج در نشریه به آدرس ایمیل ما بفرستید!

عکس از جشن روز
جهانی کودک

۱۷ مهر ۱۳۸۷

۸ اکتبر ۲۰۰۸

بیانیه "کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان" در مخالفت با اعدام کودکان

(به مناسبت ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸ روز جهانی علیه اعدام)

تلاش ما برای رسیدن به جامعه ای است که در آن حق حیات کودکانی که در هنگام ارتکاب جرم، سنشان کمتر از ۱۸ سال بوده است، با گرفتن جانشان توسط مراجع قضایی آنها برخلاف مفاد کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سلب نشود.

کشتن کودکان که ارتکاب جرمشان هرگز نه از سر کینه ورزی و نه تفکر و اندیشه بوده، جز تشدید حس انتقام جویی و مرگ انسانیت چیزی به همراه ندارد.

به دار آویختن این نوجوانان که به حکم دادگاه از پیش سازماندهی می شود، به بهانه ی اجرای عدالت خود بزرگترین جرم است.

اعدام و قصاص کودکان این مرز و بوم، چشم بستن بر واقعیت های تلخ و شرایط نابسامان موجود بوده و جامعه بشریت سکوتمان را هرگز نخواهند بخشید!

ما بعنوان یک نهاد مدافع حقوق کودک قاطعانه اعدام کودکان را محکوم می کنیم و گرفتن جان آنان را در حالی که اکثر قریب به اتفاق کشورهای دنیا مجازات مرگ را برای کودکان از قوانینشان منسوخ نموده اند به مصلحت نمی دانیم و ساماندهی جامعه و ارتقاء آموزش، رفاه و سلامت همه جانبه اجتماع، با اولویت قرار دادن حقوق کودکان را شرط لازم اجرای عدالت اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری و جنایت می دانیم.

با این وصف:

۱- ما خواهان رعایت بی چون و چرای حقوق کودکان و اجرای کامل پیمان نامه حقوق کودک هستیم؛

۲- برخورداری از یک زندگی و جامعه ی سالم حق تمامی کودکان است و ما خواهان درمان، مراقبت های ویژه، آموزش و رفع محرومیت ها از زندگی این کودکان. مجرم به جای مجازات هستیم.

۳- "محاکمه ی کودکان در دادگاه های ویژه ی اطفال و با حضور وکلای متخصص و عادل، حق مسلم آنان است و هیچ مقام رسمی یا غیر رسمی نمی تواند این حق را از آنان سلب کند" ما مصرانه خواستار رعایت حقوق این کودکان هستیم.

کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران

در صورت تمایل در حمایت از این بیانیه لطفاً آنرا امضا کنید و به ما ببیونید

<http://www.ipetitions.com/petition/bayaniyehedamkoodakan>

کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران یک نهاد مدنی فعال در زمینه حقوق زنان و کودکان با هدف ارتقاء سطح آگاهی جامعه، زنان و کودکان در مورد حقوق همه جانبه ی این دو قشر آسیب پذیر در تمام فراز و نشیب های دنیای پراشوب و طبقه مند با هدف حذف تمامی مصادیق استثمار، خشونت، بی حقوقی و تبعیض و ساختن جهانی بهتر با دعوت از تمامی احاد جامعه و انسان های بیدار و شریف در راه آرمان های زیر گام های استوار برمی دارد.

باشد تا در این همراهی جهانی بسازیم از آنگونه که حق ماست.

۱- تامین زندگی و مسکن مناسب برای کودکان، دختران و زنان بی پناه

۲- رفع تبعیض از زنان در همه شنونات زندگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

۳- پرداخت حقوق و دستمزد برابر برای زن و مرد.

۴- برابری کامل مرد و زن در برابر قانون، مانند حق مالکیت بر جنس خود، حق شهادت، دیه، حضانت، طلاق و ارث بدون تبعیض جنسیتی.

۵- فراهم آوردن زمینه های لازم جهت کسب استقلال اقتصادی زنان و ایجاد مراکز آموزشی رایگان.

۶- ایجاد امنیت شغلی و رفع کامل مشکلات زنان کارگر و بهره مندی زنان خانه دار و بی سرپرست از خدمات رایگان و حق بیمه و ایجاد شرایط یکسان زن و مرد در تمام پست های شغلی و مدیریتی.

۷- رهایی از هرگونه قیود و برخورداری از کلیه حقوق انسانی در تمامی ابعاد فردی.

۸- استثمار کودکان را محکوم و خواستار تامین زندگی مناسب برای همه کودکان در جامعه هستیم.

۹- از کمپین علیه "اعدام کودکان و نوجوانان" حمایت و پشتیبانی می کنیم.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.